

لندن و واشنگتن درباره

حمله نظامی به سوریه تصمیم میگیرند!؟



از دیروز بدینسو رسانه ها در مورد حمله احتمالی نزدیک [ائتلاف آرزومندان] که حتماً میتوان آنرا ائتلاف مایل به جنگ دانست به اشاعه اخبار یکجانبه علیه حاکمیت سوریه میپردازند. در ترکیب این ائتلاف در کنار ایالات متحده آمریکا کشور های انگلستان، فرانسه، ترکیه، آلمان و اکثریت کشورهای اتحادیه اروپا و ناتو به اضافه اسرائیل و رژیم های مزدور عرب شامل اند. علاوه برین گفته میشود که حمله احتمالی فقط شیوه گوشمالی را دارد و اصلاً کاری با سوریه ندارد، بلکه این گوشمالی صرفاً بخاطر بشارالاسد است.

خواننده عزیز را به این مطلب فرا میخوانم که تصور شان چنین نباشد که من از حاکمان سوریه درین سطور کوتاه پشتیبانی میکنم، بلکه خواست من اینست تا همه بدانند که نیروهای امپریالیستی همیشه در صدد آن بوده اند تا منافع جیو پولیتیک و سیاسی- اقتصادی شان را در لفافه هایی چون نقض حقوق بشر، کشتار جمعی و... پنهان کرده و به خورد مردم کشورهای خود شان و سائر کشور ها بدهند و از آن بهره برداری کنند. این بهره برداری ها در اقشار معینی از اتباع کشورهای جهان ورود محسوسی ندارد، زیرا آنان اکنون به واقعیت سیاست ریا کارانه امپریالیستها پی برده اند.

سوال درینجاست که اگر ایالات متحده آمریکا در جایگاه دایه مهربانتر از مادر برای مردم سوریه درین زمینه خاص و یا مردمان سائر کشور هایی که به آن تجاوز کرده اند از جمله افغانستان،

عراق، تونس، لیبیا، مصر سودان و... چه مدرکی برای حقانیت تجاوز گری های شان داشته اند. حقوق بین الدول ویا حقوق بین المللی در دو حالت چنین مداخله یی را وارد ارزیابی میکند: نخست اینکه کشوری مورد تجاوز نیروهای خارجی قرار گیرد و جانب مقابل از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی اش خواهان کمک از کشور دومی و یا کدام ائتلاف گردد. ثانیاً اینکه یکی از مراجع با اعتبار بین المللی که اکنون میتوان از شورای امنیت ملل متحد یاد آوری کرد طی قطعنامه یی مسائل را به بررسی گرفته و برای جلوگیری از یک فاجعه انسانی اعزام نیروهای نظامی را به آنکشورها با در نظر داشت محدودیت های خاص به اتفاق آراء تصویب نماید. درینجا راه دیگری سراغ شده نمیتواند، فقط اینکه مطالب و مسائل از مجرای دیپلوماتیک حل و فصل گردند.

از همینجا موضوع سراعیت مییابد که درمورد سوریه هیچ مجوزی برای ایالات متحده امریکا و دستیاران متجاوز شان موجود نیست تا تجاوز را تلویحاً کمک به مردم سوریه نام بگذارند.

توجه به این امر که بعد از تجزیه یوگوسلاویای سابق به بهانه اینکه در استدیوم پرشتینا مرکز کوسوو در زیرزمینی های استدیوم مردم زندانی گردیده و به قتل رسیده اند، تجاوز صورت گرفت. گفته میشود که عراق برای ساختن بم اتمی همه زمینه ها را در دست دارد و ذخائر عظیمی از سلاح بیولوژیک و کیمیاوی را در اختیار دارد، به همین بهانه عراق آماج تجاوز قرار گرفت. در افغانستان حکومت طالبی بیداد میکند و باید از دموکراسی دفاع کرد، تجاوز انجام پذیرفت و اکنون همین نیروها در صدد آن اند که طالبان را زیر نام دیگری بر آینده کشور مسلط سازند. در مصر با یک چشم برهم زدن حسنی مبارک که همطراز غربیها بود به دیکتاتور مبدل شده و بجای آن حکومت اخوان المسلمین گویا از طریق انتخابات آزاد نصب گردید و در تونس و لیبیا هم به بهانه های دگرگونه یی تجاوز انجام یافت.

خود قضاوت کنید که کدام یک ازین ادعاها درست بوده است. طوریکه مطالعات بعدی نشان میدهد همه این ادعاها نادرست بوده و کشور های امپریالیستی و ناتو زمینه های مداخله، اشغال و بهره برداری خود را مساعد ساختند و در عده یی ازین کشورها که بخواست خود رسیدند آنها ترک گفته و میراث غیرقابل مداوایی را بجا گذاشتند که نظر به مشخصات محلی، ملی، مذهبی و منطوقی از همدیگر متفاوت اند.

و اما اکنون که میدانیم ماهیت امپریالیزم چیست و اوباما هیچ برتری در مقایسه با پیشینه هایش چون ریگن، بووش پسر و بووش پدر ندارد این را هم بایست بدانیم که سرمایه داری بطرف زوال در حرکت است و توان مقاومت اقتصادی را در برابر کشور های بپا خاسته از نظر

اقتصادی ندارد که مصداق این ادعاً همانا بحران دیرپای کنونی سرمایه داری است که آنرا از شش سال بدینسو تحریف واقعیت نموده از مجاری بیشماری به دماغوژی متوسل شده و مردم را به آرامش دعوت میکنند.

واقعیت اینست که بحران مالی سراسر جهان را فرا گرفته وعده یی از کشورها بخصوص کشورهای مادری سرمایه در جستجوی راه حلی از طریق جنگ هستند تا از یکجانب به ادامه زنده گی زراد خانه های تسلیحاتی شان بپردازند و از جانب دیگر با غضب ثروتهای سرشار کشور های نفت خیز و دارای ذخائر بزرگ آبی و مواد خام بحران موجود سرمایه را سد راه شوند تا با باشد چند صباحی به زنده گی طفیلی شان ادامه بیشتر دهند.

اگر از همه واقعیت های ماهوی امپریالیزم بگذریم و موضوع را از تئوری پردازیها که بیجا هم نیست به این نکته معطوف داریم که آیا میتوان این همه خود سری ها یی را که ناشی از خصلت امپریالیزم است، بدون دستیاران ملی و منطقوی از جریانهای کوچک به دریای سیل آسا مبدل ساخت؟ البته که نی!

در زبان دری ضرب المثلی داریم که تبر میگوید «اگر دسته از خودم نبود هیچکسی مرا از پا در نمیآورد». این واقعیت را ما امروز در تمام نظام های مزدور که بوسیله ایالات متحده آمریکا انتصاب گردیده وبا انباری از پولها تمویل می شوند و رکود کامل اقتصادی را در کشور های شان سبب گردیده و کشور را به بازار مصرفی مواد بی کیفیت و دست دوم کشور های اشغالگر و «دستیاران منطقوی» شان مبدل ساخته است مشاهده میکنیم. در جهان عرب هم می بینیم که یک سازمان ارتجاعی وابسته به امپریالیزم و شئوونیزم عرب زیر نام «لیگ عرب» هر جا که پاشنه های ناتو حقوق انسانها را پامال سازد عرض اندام کرده و جانبداری از تجاوز گران و خونخواران مینماید. این بار در کنار اسرائیل کشور اردن همه امکانات را در اختیار ولی نعمت دلخواهش ایالات متحده آمریکا گذاشته است و به این امر افتخار میکند که از داخل سرزمینش علیه همسایه اش سوریه بخاطر قتل عام استفاده صورت میگیرد.

ممکن سوال مطرح شود که کدام قتل عام؟ اگر به گزارشهای رسانه ها توجه شود این بار مقصد امریکاییها و انگلیسها همانا شلیک کردن راکت، خمپاره وبم های طیارات جنگی است وبه همین دلیل نامش را گوشمالی به بشارالاسد نهاده اند.

آیا این واقعیت نیست که در هر جنگی تعداد زیادی از اتباع غیر نظامی به قتل میرسند و سرمایه های ملی مردم این کشور ها نابود میگردند؟ واقعیت همین است که تخریب تأسیسات و میدانهای هوایی نظامی و غیر نظامی، از بین بردن زیرساختها یا انفراشتروکتور و بالاخره هست و

بود مردم همه و همه ضربه یی است برپیکره اقتصادی- اجتماعی مردم سوریه. درین راستا غریبها برای امتحان کردن سلاح مرگبار شان و تدارک بازار های بین المللی فروش جنگ افزار های کشنده شان به این قتل عام ضرورت دارند.

لازم است تا مردم جهان و در مورد حاضر مردم سوریه بدانند که نمونه های بیشمار این تجاوزها در همه نقاط جهان دیده میشود و به قول معروف آزموده را آزمودن خطاست!